



Dual and semantic contrasts in the rhetorical and syntactic structure of Sa'di's speech

Sakineh Yeganeh ¹

PhD student of Persian language and literature, Gorgan branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Mohammad ali Khaledian ²

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Kobra Nodehi ³

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

Received: 2022/10/17 | Accepted: 2023/1/6

Abstract

Investigating the topic of double contrasts in literary and artistic works for a better and deeper understanding of these works has attracted the attention of contemporary linguists and narratologists. In this research, by looking at Sa'di's works and ideas, we have paid attention to the investigation of double confrontations or mutual couples as one of the main pillars and elements in the components that Sa'di has expressed the themes and themes related to health and mental health. According to the nature of the components studied in this thesis, the paradigm of the present research is descriptive-analytical and the method of representation is done through qualitative content analysis. The field of study and the scope of the current research, which was selected through a targeted sampling of Sa'di's works, were determined based on the principle of sufficiency and sufficiency of evidence. The results of the research show that the contrast of words with opposite and opposite meanings covers a significant part of Sa'di's poems and writings. With a structuralist look at the investigated examples, we find that these signs give attention to the real and objective explanation of practical solutions to obtain peace and comfort based on moral, mystical and educational teachings from the artistic and semantic point of view, and in the form of semantic, implicit, A structure in the sentence unit and literary contrasts are presented in Sa'di's speech.

Keywords: Sa'di, double contrast, semantic contrast, rhetoric, novel

¹ Email: s.yeganeh171@yahoo.com

² Email: khaledyan344@gmail.com (Corresponding Author)

³ Email: koobranodehi@gmail.com





تقابل‌های دوگانه و معنایی در ساختار بلاغی و نحوی کلام سعدی

سکینه یگانه^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

محمدعلی خالدیان^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

کبری نودهی^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶

چکیده

بررسی مبحث تقابل‌های دوگانه در آثار ادبی و هنری به جهت درک و دریافت بهتر و عمیق‌تری از این آثار، امروزه مورد توجه زبان‌شناسان و روایت‌شناسان معاصر قرار گرفته است. در این پژوهش با نگاهی به آثار و اندیشه‌های سعدی، به بررسی تقابل‌های دوگانه یا زوج‌های متقابل به عنوان یکی از ارکان و عناصر محوری در مؤلفه‌هایی که سعدی به بیان مضامین و درون‌مایه‌های مرتبط با بهداشت و سلامت روان پرداخته است، توجه نموده‌ایم. با توجه به ماهیت مؤلفه‌های مورد مطالعه در این جستار، پارادایم پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و روش بازنمایی، از طریق تحلیل محتوای کیفی صورت گرفته است. میدان مورد مطالعه و محدوده پژوهش حاضر که از طریق نمونه‌گیری هدفمند از آثار سعدی انتخاب شده، بر اساس اصل بسندگی کفایت خواهد بود، تعیین گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تقابل واژگان با بار معنایی متقابل و متضاد، بخش قابل توجهی از اشعار و نوشته‌های سعدی را دربرمی‌گیرد. با نگاهی ساختارگرایانه به نمونه‌های مورد بررسی درمی‌یابیم که این نشانه‌ها تبیین حقیقی و عینی از راهکارهای عملی در کسب آرامش و آسایش روحی را بر اساس آموزه‌های اخلاقی، عرفانی و تعلیمی از جهت هنری و معنی‌شناسی مورد توجه قرار می‌دهد و در قالب تقابل‌های معنایی، ضمنی، ساختاری در واحد جمله و تقابل‌های ادبی در کلام سعدی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: سعدی، تقابل دوگانه، تقابل معنایی، بلاغت، بدیع.

¹ Email: s.yeganeh171@yahoo.com

² Email: khaledyan344@gmail.com

³ Email: koobranodehi@gmail.com



۱. مقدمه

تقابل‌های دوگانه از نظرگاه ساختارگرایان، اساس و اصل تفکر انسانی را تشکیل می‌دهد. این خوانش ساختارگرایانه سوسور، پس از او به مطالعات لوی استروس راه یافت. از آن پس، این خوانش به‌عنوان نظریه‌ای بنیادین در بسیاری از آثار نظریه‌پردازان قرن بیستم، در حوزه‌های فلسفه، زبان‌شناسی و نقد ادبی مبتنی بر ساختارگرایی و پسا‌ساختارگرایی به کار گرفته شد. بی‌گمان آرامش روانی و آسایش روحی مطلوب همگان است. بدیهی است که این امر فقط در سایه برقراری عدالت در جامعه، محقق می‌گردد. بنابراین در هنگامی که آتش ظلم، فساد، تبعیض بی‌عدالتی شعله‌ور است و ریشه‌های آرامش روحی را می‌خشکاند، حکیم و اندیشمندی چون سعدی با معرفتی که به احوال جامعه و مردم دارد، معضلات و مشکلات روحی مردم را درک می‌کند و با توسل به زبان قدرتمند خود، به ستیز با آنان بر می‌خیزد. سعدی با بهره‌گیری هنرمندانه‌ای از مؤلفه‌ها و عناصر زبان، در نظامی از واژگان متقابل، برای القای مفاهیم مرتبط با سلامت، می‌پردازد. تأکید بر آرامش روان و ذهن و تأثیر آن بر فکر و اندیشه مخاطب، مسأله اساسی جستار پیش‌رو است. سعدی با طرح تقابل‌های دوگانه، علاوه بر بیان جهان‌بینی و اندیشه خود، به طور کلی، همواره بر یکی از عناصر جهان‌بینی خویش، یعنی دعوت مخاطب به آرامش و سلامت روانی تأکید کرده است. سعدی بر آن است که مفاهیمی چون شادکامی، امید، رضایتمندی، کمال‌جویی، عشق و نظایر این‌ها، به ویژه وقتی که به‌صورت هنرمندانه، طبیعی، متعادل و غیرمتکلفانه بیان شود، تأثیر بیش‌تری بر مخاطب دارد. اما بی‌تردید وقتی این مفاهیم را در ساختاری تقابلی مطرح می‌کند، تأثیری مضاعف دارد. تا جایی که می‌توان یکی از رموز موفقیت سعدی به لحاظ زبانی و محتوایی را در بهره‌گیری از این شگرد تقابل و تضاد در ارائه مفاهیم گوناگون از جمله متغیرهای بهداشت و سلامت روانی، دانست. موضوع مقاله حاضر بررسی شگردهای تقابل‌های دوگانه در مبحث یاد شده است. از این رو «پرسش اصلی» آن است که سعدی از انواع تقابل‌ها به چه صورت برای بازنمود مفاهیم اصلی و مؤلفه‌های سلامت روان در آثار خویش بهره برده است؟ این پژوهش با این فرض آغاز شده است که سعدی، مثل هر هنرمند اندیشه‌ورزی، تقابل‌های

دوگانه را یکی از ابزارهای مفید برای انتقال اندیشه خود می‌داند. داده‌های این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای گرد آمده و پس از مقوله‌بندی، با استفاده از روش توصیفی، تحلیل شده است.

۱-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

تقابل را می‌توان از عناصر اصلی و بنیادین بسیاری از متون ادبی و وسیله‌ای مؤثر در انتقال اندیشه و عاطفه شاعر دانست. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده از سوی نگارندگان، تاکنون پژوهشی که به بررسی تقابل در آثار سعدی از منظر بهداشت و سلامت روان، پرداخته باشد، منتشر نشده است. در حالی که اولاً تقابل‌های دوگانه در آثار سعدی نمود و جلوه‌ای گسترده و متنوع دارد و از سوی دیگر این تقابل‌ها غالباً حاوی تفکراتی پیرامون بهداشت و سلامت روان است؛ به نوعی که شالوده و نظام فکری وی را در خصوص روحيات انسان در محیط فردی و اجتماعی، نمایان می‌سازد. لذا با توجه به اهمیت موضوع و دامنه آن در آثار سعدی و خلاء پژوهشی پیش‌رو در این زمینه، نگارندگان بر آن شدند که پژوهش پیش‌رو را به انجام برسانند.

۱-۲. روش انجام تحقیق

جستار حاضر، حاصل مطالعه و واکاوی در آثار سعدی از منظر تقابل‌های دوگانه حول محور مؤلفه‌های بهداشت و روان است که به شیوه توصیفی-تحلیلی، بر مبنای روش سندکاوی و مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. اساس پژوهش، بررسی گزینشی و سامان‌مند از مصادیق منظوم و مثنوی است که سعدی در آنها به مسأله بهداشت و سلامت روان توجه نموده و ساختار تقابلی و لفظی یا معنایی خاصی را ایجاد کرده است. لازم به ذکر است که نسخه مورد استفاده در این جستار، کلیات سعدی تصحیح محمدعلی فروغی و نیز بوستان و گلستان او به تصحیح غلامحسین یوسفی، می‌باشد. اگرچه مؤلفه‌های مورد بررسی سلامت و آرامش روان در آثار سعدی کاربرد گسترده‌ای دارد اما در این جستار این موضوع فقط در ساختار تقابل‌های دوگانه، بررسی شده‌اند. در این بررسی از اهم

دستاورد‌های علم روانشناسی مثبت‌گرا و تلفیقی از تئوری‌های اریک اریکسون^۱ و مارتین سلیگمن^۲ و نظریه‌پردازانی که اساس کار خود را بر سلامت نفس و آرامش روان نهاده‌اند، استفاده شده است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

در خصوص تقابل‌های دوگانه در ادبیات فارسی تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آنها که در حوزه کار ماست، اشاره می‌نماییم:

ساکیان و نظری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «ای مجلسیان راه خرابات کدام است؟ هنر تقابل در غزل سعدی» به بررسی غزلیات سعدی از منظر ساختار تقابلی پرداخته‌اند. نویسندگان در این جستار نتیجه گرفته‌اند که تقابل‌های واژگانی در سه بخش زبانی، ادبی و معنایی در غزلیات سعدی قابل بررسی است. کلمات متضاد در حوزه تقابل زبانی و تقابل تلمیحی، تناسب و تشبیه تفضیل در حوزه ادبی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. شنبه‌ای (۱۳۹۰) در مقاله «جبر و اختیار از دیدگاه تقابل‌های دوگانه: سبک خاص سعدی در گلستان» با بررسی تضاد بین شخصیت‌های داستانی طرفدار جبر و طرفدار اختیار، به موضوعاتی از جمله وراثت، رزق و روزی، مرگ و تأثیر محیط در تربیت فرد از منظر جبر و اختیار در نظام تقابل‌های دوگانه و تضاد پرداخته است. رضوانیان (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «خوانش گلستان سعدی بر اساس نظریه‌ی تقابل‌های دوگانه» دو کارکرد اساسی «فلسفی» و «زیبایی‌شناسانه» را در گلستان سعدی از منظر ساختار تقابلی مورد توجه قرار داده و نتیجه گرفته است که سعدی با کمک شگرد تقابل و تضاد به صورت عامدانه و آگاهانه، سعی در انعکاس صدای بشریت، بویژه فرودستان داشته است. با توجه به بررسی‌های انجام شده تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه تقابل دوگانه در حیطه اشعار سعدی از منظر توجه به مؤلفه‌ها و متغیرهای بهداشت و سلامت روان، منتشر نشده است.

۲. ماهیت نظام دوساختی تقابل

«اصطلاح تقابل‌های دوگانه، به عنوان مفهومی بنیادی در گستره وسیعی از نوشته‌های

^۱ . Erik Erikson

^۲ . Martin Seligman

نظریه پردازان بزرگ قرن بیستم به کار رفته است. از نظریات زبان‌شناسی و فلسفی گرفته تا نقد ادبی مبتنی بر ساختارگرایی و پسا ساختارگرایی» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۶۸). «تقابل دوگانه مبتنی بر بودن یک طرف و نبودن یکی از طرفین تقابل است که ذکر یک طرف به شناخت طرف دیگر نیز کمک می‌کند یعنی قطعاً لازمه ایجاد تقابل ذکر دو طرف نیست؛ بلکه وجود و ذکر این تقابل‌های دوگانه زیربنای فرهنگی را می‌سازند و ارزش‌ها و کنش‌های اجتماعی ما از این تقابل‌ها نشأت می‌گیرند» (برتنس، ۱۳۸۴: ۱۴۵). شاید بتوان گفت که «ادامه نسل بشر در کره زمین از طریق تقابل‌ها امکان‌پذیر بوده است؛ بشر پیشرفت خود را تا حد زیادی مدیون درک این تقابل‌هاست. نور در مقابل تاریکی، گرما در مقابل سرما و... ایدئولوژی تا حد زیادی بر تقابل‌ها استوار است؛ چراکه ایدئولوژی بر ارزش‌ها استوار است و ارزش‌ها برای تعریف شدن در مقابل ضد ارزش قرار می‌گیرد. دین در مقابل کفر، خیر و شر، عصمت و گناه و... نمونه‌هایی از ارزش‌هایی هستند که در مقابل ضد ارزش‌ها قرار می‌گیرند» (طالبیان و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵). البته نکته قابل توجه آن است که تقابل معنای وسیع‌تری نسبت به تضاد دارد. «در معنی‌شناسی، عمداً از اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود؛ زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل به حساب می‌آید» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). یادآوری این نکته بجاست که تقابل به عنوان یک آرایه در ذیل تضاد در دانش بدیع فارسی مطرح می‌شود.

صطلاح تقابل دوگانه را «نخستین بار نیکلای تروبتسکوی^۱ واج‌شناس روسی مطرح کرد. تروبتسکوی از تقابل در واج‌شناسی و آواشناسی بهره برد و به تقابل میان واج‌های واک‌دار، بی‌واک و... پرداخت» (مارتینه، ۱۳۸۰: ۱۱۳). پس از آن، این اصطلاح در حوزه گسترده‌ای از آراء و اندیشه‌های نظریه‌پردازان قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفت. «فردینان دوسوسور^۲ بنیانگذار زبان‌شناسی ساختاری، زبان را نظام تفاوت‌ها دانسته و می‌گوید تقابل اجزای مختلف زبان به آنها هویت می‌بخشد» (کالر، ۱۳۸۲: ۷۷). تقابل‌های دوگانه اصل و اساس تفکر ساختارگرایی را تشکیل می‌دهد. کالر می‌گوید: «به‌راستی مناسباتی که در بررسی ساختاری، مهم‌ترین رابطه‌ها دانسته می‌شوند، ساده‌ترین نیز هستند: تقابل‌های

^۱ . Nikolai Trubetzkoy

^۲ . Ferdinand De Saussure

دوگانه. الگوی زبانی ساختارگرایان را به اندیشیدن در پیکر اصطلاح‌های دوسویه کشاند تا در هر موضوع پژوهش خود در پی تقابل‌های کارکردی برآیند. این تقابل نه تنها ریشه در تفکر انسانی دارد؛ بلکه نمونه‌هایی از این تقابل‌ها را می‌توان در نظام طبیعت یافت» (سرحدی و مهربان، ۱۳۹۹: ۴-۳).

لوی استروس^۱ تقابل‌های دوگانه را اصلی‌ترین کارکرد ذهن جمعی بشر می‌داند. «به نظر او نیاکان و اجداد اساطیری ما چون از دانش کافی برخوردار نبودند، برای درک و شناخت جهان پیرامون خود به خلق تقابل‌های دوگانه دست می‌زدند. از این رو ساختار تفکر انسان بر تقابل‌های دوگانه بنا شده است» (برتس، ۱۳۸۴: ۷۷). تقابل‌های دوگانه در آراء و نظریات پساساختارگرایان از جمله ژاک دریدا^۲ جایگاه بسیار با اهمیتی یافت. از نظر دریدا، اندیشه‌های علمی-فلسفی و زیربنای تفکرات غرب بر محوری دو قطبی و بر مبنای تقابل دوگانه قرار دارد؛ بدی در برابر نیکی، هستی در برابر نیستی، حضور در برابر غیاب. از دیدگاه دریدا، در اساس و بنیاد هر متنی این دوگانگی و تقابل وجود دارد گاه در مرکز یک متن و گاه در حاشیه آن (ر.ک: مقدادی، ۱۳۸۷: ۱۷۰). انواع تقابل‌های معنایی از قبیل بالا / پایین، خرید/فروش، زیر/رو، خام/پخته، چپ / راست و جز آن با برجسب واژه‌های متضاد مشخص شده‌اند و این به خاطر آن است که مفهوم یکی از این واژه‌ها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار گرفته است. این تقابل‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که بعضی از آنها به قرار زیرند:

- تقابل صفاتی مانند گرم و سرد که به لحاظ کیفیت قابل درجه‌بندی‌اند.
- تقابل صفاتی مانند روشن و خاموش که نفی یکی، اثبات دیگری است.
- تقابل فعل‌هایی مانند خرید و فروش که تقابل دوسویه^۳ نامیده می‌شوند.
- تقابل فعل‌هایی مانند رفت و آمد که با عنوان تقابل جهتی^۴ از آن نام می‌برند (چهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

1. Levi Strauss

2. Jacques Derrida

3. Symmetrical opposition

4. directional opposition

۳. تحلیل و بررسی تقابل در اندیشه سعدی با محوریت مؤلفه‌های سلامت و بهداشت روان

سعدی یکی از بزرگترین سراینده‌گان و نویسندگان ادب پارسی است که با اشعار آموزنده‌اش نکات ژرفی از مبانی سلامت و بهداشت روانی را در قالب تقابل‌های دوگانه ارائه می‌دهد. یکی از دلایل این امر را شاید بتوان در دوران زندگانی و محیط پیرامون سعدی جست‌وجو کرد. «بنا به شواهد تاریخی، ایران، سال‌هایی بدتر از سال‌هایی که سعدی در آن می‌زیسته، از سرنگذرانیده است. اگر کسی در ویران کردن شهرها و سوزاندن خانه‌ها و کتاب-خانه‌ها، کشتار، غارت و پدید آوردن چنان وحشی در مردم که خود را گروه گروه، بی‌هیچ مقاومت تسلیم مرگ کنند، فنی داشته باشد، مغولان استاد این بوده‌اند» (موحد، ۱۳۷۸: ۴۴). در چنین شرایطی است که سعدی با استفاده از تقابل‌های دوگانه می‌گوید:

جهان بگشتم و آفاق سر به سر دیدم به مردمی که گر از مردمی اثر دیدم
کسی که تاج زرش بود در صبح به سر نماز شام، ورا خشت زیر سر دیدم
(سعدی، ۱۳۷۱: ۵۰)

سعدی که دوران اجتماعی و سیاسی این چنین سخت را تجربه کرده است که پیامدهای روحی و روانی و آسیب‌های فردی و اجتماعی آن برای همگان آشناست، جامعه‌شناسی هوشمند است؛ از سویی با میراث اخلاقی عرفان و تصوف هم که بر بنیادهای دین اسلام پدید آمده، می‌کوشد تا از طریق تقابل‌های دوگانه دیدگاه‌های فلسفی، اجتماعی و تربیتی خویش را بیان کند و در این راه چنان پابندی از خود نشان می‌دهد که با تسامح می‌توان گفت تقابل‌های دوگانه به صورت عنصر غالب بلاغی در ساختار بسیاری از آثار سعدی دیده می‌شود.

جان‌مایه و حیات اندیشه شاعرانه سعدی در بهداشت و سلامت روان بر تقابل نیک و بد، خیر و شر، شادی و غم و عشق و نفرت است که سبب پویایی و حرکت کلام وی می‌گردد. به بیانی، تقابل و تضادی است که از فلسفه هستی‌شناسانه او برمی‌خیزد. گویی او باور دارد که ماهیت زندگی و ماهیت روانی انسان از این تضادها و تقابل‌ها شکل گرفته

است. توجه به این نکته اهمیت بسیار دارد که با آنکه استفاده از تقابل به عنوان یک شگرد بلاغی به زبان سعدی نیرو می‌بخشد و قدرتمندی آن از اسباب بلاغت‌افزایی به کلام سعدی است، اما هدف وی به باور نگارندگان بیش از توجه به لفظ و زیبایی‌های آن است. او می‌کوشد تا با هدف برجسته‌سازی این مفاهیم به نحو شایسته‌ای از تقابل در درمان نابه‌هنجاری‌های فردی و اجتماعی بهره برده است. روان‌شناسی بهداشت روان از شاخه‌های علم روانشناسی است. این دانش می‌کوشد با تکیه بر مؤلفه‌های به هم پیوسته عواطف مثبت و سازنده سلامت نفس بشری، مخاطب را به ارزیابی مثبت و اصولی بهداشت روان خود ترغیب نماید.

از آنجا که تقابل‌های دوگانه سعدی، در این مقاله با معیارهای روانشناسی مثبت‌نگر سنجیده می‌شود، اشاره‌ای کوتاه به این موضوع ضروری می‌نماید. هدف از روان‌شناسی و روان‌کاوی در تحلیل‌های متون «کشاندن عواطف گنگ فرو خورده به حوزه آگاهی برای درمان روان‌پریشی است» (غیاثی، ۱۳۸۲: ۱۶۸). با آنکه به باور فروید بخشی از این عواطف گنگ و فروخورده، محصول آسیب‌های روانی دوران کودکی است که همیشه با فرد می‌ماند و او را بیمار نگه می‌دارد اما بسیاری از روان‌شناسان و روان‌کاوان بعد از فروید، پس از نقد این طرز تلقی جبرگرایانه او از انسان، به این باور رسیدند که باید بر جنبه‌های مثبت روان انسان تکیه و او را به زندگی امیدوار کنند. این دسته از روان‌شناسان طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند که همه، در این که می‌خواهند با مثبت‌نگری، به انسان برای رسیدن به تعالی و سلامت نفس کمک کنند، اشتراک نظر دارند. اندیشه مثبت‌نگر، بر مفهوم این گزاره که «آدمی چه می‌تواند باشد، نه این که چه بوده و اکنون چه هست» (شولتس، ۱۳۶۹: ۶)، بنیاد نهاده شده است. این روان‌شناسان مدعی شدند که «به هنجار بودن، یعنی نداشتن هیچ‌گونه بیماری عاطفی و توانایی در ارضای تمامی نیازهای حیاتی، کافی نیست؛ بلکه غایت انسان تلاش و کوشش او برای کشف استعدادهای ناشناخته و از قوه به فعل آوردن آن‌ها و رسیدن به سطوح عالی کمال است» (عقدایی، ۱۳۹۳: ۲۷).

بر پایه این اندیشه، روان‌شناسان کمال، شاخه‌ای را با عنوان روان‌شناسی مثبت‌نگر به

وجود آورند که مارتین سلیگمن را بنیانگذار آن و پدر این شاخه می‌دانند. او بر این باور است که روان‌شناسی بیش از آن چه که باید، بر بیماری‌ها، اختلال‌ها و ناهنجاری‌ها متمرکز شده است و ظرفیت‌های روان‌شناسی بیش‌تر از این‌هاست. لذا باید بتوان دستاوردهای روان‌شناسی را برای ارتقای کیفیت زندگی همه انسان‌ها، نه فقط بیماران، به کار گرفت. سلیگمن با ابزارهای روان‌شناسی مثبت‌نگر، به درمان بیمارانی می‌شتابد که در اثر تناقض‌های بی‌شمار جامعه ملتهب و ناآرام معاصر، آسیب دیده بودند.

با توجه به آنچه نقل شد، سعدی را گرچه نمی‌توان روان‌شناس به معنای علمی و امروزی آن دانست، اما اندیشه‌های اخلاقی و آموزنده او به مفاهیم چند سویه‌ای از احوال نفسانی انسان اشاره می‌کند و به خواننده، به یاری شواهد نشان می‌دهد که می‌تواند به ارزیابی بهتری از حالات و هیجانات روحی خویش دست یابد.

در این پژوهش می‌کوشیم تا نشان دهیم که سعدی در سایه فرهنگ ایرانی اسلامی و با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی عرفان، مفهوم آرامش و رضایت از زندگی را در ارتباط با جنبه‌های گوناگون رفتار فردی و در قالب تقابل‌های دوگانه بیان می‌کند؛ مفاهیمی که شناخت آن‌ها می‌تواند از سویی به تبیین اندیشه‌ها و جهان‌بینی سعدی کمک کند و از سوی دیگر راهکارهایی عملی در جهت برخورداری از آرامش و احساس رضایتمندی در زندگی انسان، در اختیار او بگذارد.

۴. تقابل‌های دوگانه در یک غزل سعدی

برای آشنایی با تقابل‌های دوگانه، غزلی از سعدی را انتخاب کرده‌ایم که تحلیل آن می‌تواند دیدگاه ما را در این موضوع روشن‌تر کند:

بتا هلاک شود دوست در محبت دوست	که زندگانی او در هلاک بودن اوست
مرا جفا و وفای تو پیش یکسان است	که هر چه دوست پسندد به جای دوست نکوست
مرا و عشق تو، گیتی به یک شکم زادست	دو روح در بدنی چون دو مغز در یک پوست
هر آنچه بر سر آزادگان رود زیاست	علی‌الخصوص که از دست یار زیباخوست

دلم ز دست به در برد سرو بالایی خلاف عادت آن سروها که بر لب جوست
 به خواب دوش چنان دیدمی که زلفینش گرفته بودم و دستم هنوز غالیه بوست
 چو گوی در همه عالم به جان بگردیدم ز دست عشقش و چوگان هنوز در پی گوست
 جماعتی به همین آب چشم بیرونی نظر کنند و ندانند کآتشم در توست
 ز دوست هر که تو بینی مراد خود خواهد مراد خاطر سعدی، مراد خاطر اوست
 (سعدی، ۱۳۸۹: ۴۴۴-۴۴۵)

چنان که دیده می‌شود، سعدی در تمام ابیات این غزل به جز دو مورد، از تقابل‌های دوگانه استفاده کرده که هم به لحاظ جمال‌شناسی و هم از نظر محتوا، «عنصر غالب» غزل است. این تقابل‌ها که با زندگی و سلامت روان هم در پیوند است، به ترتیب، عبارتند از: «هلاک/زندگانی و نیز پارادوکس زندگی در هلاک بودن، جفا/وفا، روح/بدن، مغز/پوست، سرو بالا/سروهای لب جوی، گوی/چوگان، آب/آتش، بیرونی/تو، مراد خود/مراد او». می‌توان گفت که فراوانی ساخت و طرح دوگانه‌های متقابل در آثار سعدی، آن را به یک ویژگی سبکی او تبدیل کرده است. گاه این تقابل‌ها، حتی در یک بیت هم قرینه‌سازی می‌کند و آرایهٔ مقابله را به وجود می‌آورد؛ مثل بیت زیر:

بی تو گر در جنتم ناخوش شراب سلسبیل با تو در دوزخم خرم هوای زمهریر
 (همان: ۵۲۳)

در این بیت، بی‌تو، جنت، ناخوش و شراب سلسبیل، در مقابل با تو، دوزخ، خرم و هوای زمهریر قرار گرفته است. تقابل‌های موجود در شعر و اندیشهٔ سعدی را از جهات مختلفی می‌توان دسته‌بندی و بررسی نمود اما به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی آن‌ها از لحاظ ساختاری و معنایی، راه بهتری برای نشان دادن تقابل موجود در اندیشهٔ اوست.

۴-۱. تقابل‌های فکری و معنایی

این نوع از تقابل‌ها، ریشه‌های اصلی افکار سعدی را در خصوص صحت و سلامت روان و راهکارهای دوری از افسردگی، انزوا، ناامیدی، غم، دوری از پوچ‌گرایی و نظایر این‌ها نشان می‌دهد. از طریق بررسی این تقابل‌ها که «حاکمی از وجود تضادهای درونی

است» (هورنامی، ۱۳۸۴: ۲۳)، می‌توان به دنیای آرامش درونی سعدی که با تضادهای درونی خویش کنار آمده، راهی پیدا کرد:

۴-۱-۱. تقابل رضایتمندی و احساس شادی ناشی از آن با دوری از غصه و اندوه

از مهم‌ترین محورهای تقابل معنایی در شعر سعدی، تقابل احساس رضایت و عدم رضایت از شرایط موجود - حتی غم و اندوه حاصل از عشق - است. سعدی به نوعی انسان‌ها را به دو دسته کلی تقسیم می‌نماید: افراد عاشق و راضی، افراد فارغ از غم عشق و ناراضی. این رضایتمندی در ابیات زیر کاملاً مشهود است:

طرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد داغ و دردی که تو باشد خوش‌تر است از باغ و ورد
دوستانت را که داغ مهربانی دل بسوخت گریه دوزخ بگذرانی آتشی بیند سرد
حاکمی گر عدل خواهی کرد با ما یا ستم بنده‌ایم از صلح خواهی جست با ما یا نبرد
هر که را دردی چو سعدی می‌گدازد گو منال چون دل‌ارامش طیبی می‌کند داروست درد
(سعدی، ۱۳۷۱: ۴۹۸)

انسان‌هایی که در شعر و اندیشه سعدی زندگی می‌کنند، گروهی اهل ناامیدی‌اند و گروهی راضی از شرایط موجود. به همین دلیل سعدی خود دست به مقایسه این دو گروه می‌زند. مفاهیم، افعال، اوصاف و عملکردهای این دو دسته در این دو گانه‌های متضاد و متقابل که میان دو «اسم» واقع شده، مورد نظر سعدی قرار می‌گیرند. مثلاً در بیت:

در خوابگاه عاشق سر بر کنار دوست کیمخت خارپشت ز سنجاب خوش‌تر است
(همان: ۴۸۵)

سعدی با بیان این نکته که در کنار معشوق، که از اسباب رضایتمندی است، می‌توان هر دشواری را به آسانی تحمل کرد و تقابل واژه کیمخت خارپشت با لباس نرم و راحت از پوست سنجاب، تلاش برای جلب مخاطب به رضایتمندی از عشق دارد. در بیت زیر نیز سعدی با تقابل «آب و آتش»، لطف دوست یا به طور کلی مهربانی را که از عوامل آرامش درون است، مطرح می‌کند:

ز آن سوی بحر آتش اگر خوانیم به لطف رفتن به روی آتشم از آب خوش تر است
(همان: ۴۸۵)

به باور سعدی و در راستای تقابل «زخم و مرهم»، آرامش روحی محصول داشتن درد
عشق و رضایتمندی از این درد است:

زخم خونینم اگر به نشود به باشد خنک آن زخم که هر لحظه مرا مرهم از اوست
(همان: ۱۳)

بنابراین تحمل نمودن درد و زخم عشق در برابر آسایش و بی‌غمی فارغ بودن از داغ
دوست، تقابل دو کردار آرامش درون و اضطراب و ناآرامی ناشی از عدم رضایتمندی را
در پی دارد. این طرز تلقی یکی از درونمایه‌های پر بسامد غزل سعدی است. این اندیشه را
در تقابل‌های ابیات دیگر هم می‌بینیم. مثلاً از واژگان «لطف / قهر» و «درد / درمان» در ابیات
ذیل، می‌توان دریافت که در مقابل لطف یا قهر یار، احساس رضایت نمودن، یک اندیشه
تقابلی است که باور عمیق سعدی را به عشق و تسلیم بودن در برابر معشوق به خوبی نشان
می‌دهد:

گر می‌کشی به لطف و گر می‌کشی به قهر ما راضی‌ایم هر چه بود رای رای توست
(همان: ۷)

خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را
(همان: ۴۴۴)

از ابزارهای سعدی برای رسیدن به رضایت به عنوان یکی از مؤلفه‌های آرامش و
بهداشت روان، «عشق» است. از منظر روانشناسی مثبت‌گرا، رضایتمندی از اوضاع و شرایط
زندگی، به‌شیوه بازخورد و ادراک آدمی نسبت به جهان پیرامون بستگی دارد. «یکی از
هیجان‌ات ثانویه مهم و توجه برانگیز از نظر عرفان و روانشناسی، هیجان رضایتمندی از
زندگی است. رضایتمندی، هیجانی مثبت و اصیل و پایدار و آرام‌بخش است که معنای
سعادت و خوشبختی انسان در آن پنهان است» (پیرانی، ۱۳۹۲: ۳۴۲). سعدی مهارت کسب
رضایتمندی از زندگی را در پذیرش شرایط می‌داند. شرایطی که محصول تقابل دو رکن

اصلی خوب و بد است. سعدی هیجان‌ات مثبت و منفی را با توجه به شرایط موجود برای مخاطب خویش ارزیابی می‌کند و راه کاهش درد، اندوه و هیجان‌ات منفی را در احساس رضایتمندی معرفی می‌کند؛ حتی اگر این رضایتمندی قبول و پذیرش درد و رنج عشق باشد:

بندهام گو تاج خواهی بر سرم نه یا تبر هر چه پیش عاشقان آید ز معشوقان نکوست
(سعدی، ۱۳۷۱: ۹۲)

۴-۱-۲. تقابل قناعت با آزمندی و زیاده‌خواهی

بی‌تردید احساس رضایتمندی به درک لذت منجر می‌شود. یکی از مصادیق این احساس، لذت بردن از داشته‌ها و قناعت کردن به آن‌هاست. قناعت را می‌توان از دیگر مؤلفه‌های بهداشت روانی از نظر سعدی دانست. این نوع ادراک لذت از نظر گاه اخلاقی و عرفان سعدی، به دنبال قناعت شکل می‌گیرد که سبب کنترل هیجانی، خود مهارگری مادی و آرامش روحی است (ر.ک: سلیگمن، ۱۳۹۷: ۵۲). سعدی راه رسیدن انسان به آرامش و لذت درونی را در ادراک این احساس از طریق رضایتمندی به داشته‌ها می‌داند و به طریقی تقابلی در بیان این معنی می‌گوید:

آواز چنگک مطرب خوشگویی گو مباش ما را حدیث همدم خوشخوی خوشتر است
(سعدی، ۱۳۷۱: ۴۸۵)

در مثال بالا، تقابل موجود در مصرع اول و دوم یعنی آواز مطرب/قناعت و رضا دادن به وضع موجود، از نظر زبانی و ساختاری بر اساس تقابل سلب و ایجاب در معنای ضمنی بودن و نبودن در واژه‌ی «مباش» و «است»، بیانگر این مدعاست.

هدفمندی و صبوری یکی از اصلی‌ترین الگوهای سلامت روان است که به نوعی مشخص‌کننده مسیر حرکت فرد نیز می‌باشد. انسان هدفمند و صبور، ناملایمات را در مسیر رسیدن به اهداف خویش تحمل می‌نماید؛ این هدفمندی برای وی آرامش و آسایش را در نهایت به دنبال خواهد داشت که در کلام سعدی به صورت تقابل «نوش/نیش»، «سود/خطر» و «ظلمات/آب حیوان» به چشم می‌خورد:

احتمال نیش کردن واجب است از بهر نوش حمل کوه بیستون بر یاد شیرین بار نیست
(همان: ۵۱۴)

سود بازرگان دریا بی خطر ممکن نباشد هر که مقصودش تو باشی تا نفس دارد بکوشد
(همان: ۲۱۲)

سهل باشد صعوبت ظلمات گر به دست آید آب حیوانم
(همان: ۴۸۳)

۴-۱-۳. تقابل سلامت و آسایش با ملامت

عشق همواره سعدی را در معرض طعنه و ملامت ناصحان و عیب‌جویان قرار داده است؛ راهکار سعدی صبوری و کنار آمدن با طعنه‌ها و سرزنش‌های ملامتگرانی است که از دیدگاه وی راه به جایی نخواهند برد:

عالم شهر گو مرا وعظ مگو که نشنوم پیر محله گو مرا توبه مده که بشکنم
گر بزنی به خنجرم کز پی او دگر مرو نعره‌ی شوق می‌زنم تا رمقی است در تنم
(همان: ۲۸۹)

تقابل معنایی سلامت و ملامت در مبحث بهداشت روان، ذیل پذیرش شرایط و تضادها قابل بررسی است. جهان پیرامون انسان، جهانی پر از تضادها و نامایمات است. سعدی تقابل منطقی میان صبوری و ملامت ملامتگران را به‌خوبی مدنظر قرار داده است؛ به‌نظر می‌رسد سعدی در این زمینه گوشه‌چشمی به اندیشه‌های ملامت‌یان داشته است:

جور دشمن چه کند گر نکشد طالب دوست گنج و مار و گل و خار و غم و شادی به هم است
(همان، ۱۳۸۹: ۵۰۰)

از دیدگاه سعدی آرامش درونی حقیقی، نصیب کسی می‌شود که ملامت را در راه عشق به جان می‌خرد:

خمر دنیا با خمار و گل به خار آمیخته است نوش می‌خواهی هلا! گر پای داری نیش را
(همان، ۱۳۷۱: ۳)

۴-۱-۴. تقابل شناخت خویش از خود با شناخت دیگران

از دیگر تقابل‌های معنایی سلامت روحی و روانی در اندیشه سعدی، تقابل میان ذات واقعی آدمیان و شناخت وی از خویشتن با تصور و شناخت دیگران است که دو نمود مثبت و منفی را به تصویر می‌کشاند. سعدی معتقد است خودشناسی حقیقی و آگاهی از ذات و ماهیت درونی خود، یکی از عوامل اصلی در رسیدن به صلح و آرامش درونی است:

شخصم به چشم عالمیان خوب منظر است وز خبث باطنم سر خجالت فزاده پیش
طاووس رابه نقش و نگاری که هست خلق تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش
(همان: ۶۵)

نباید بدانچه مردم در ستایش آدمی بیان می‌کنند، اعتنا کرد؛ بلکه همواره به خویشتن یادآوری کرد که من آنی هستم که خود می‌دانم؛ چنانکه در حکایتی آورده است: «یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند؛ سر بر آورد و گفت: من آنم که من دانم» (همان: ۶۴).

۴-۱-۵. تقابل میان صبر و گناه

تقابل میان صبر و گناه نیز از تقابل‌هایی است که نمونه‌هایش را در اندیشه سعدی فراوان می‌توان یافت. سعدی بر این باور است که می‌توان با صبر در مقابل گناه، به آرامش روان دست یافت و از آسیب‌های روانی و دغدغه‌های گناه در امان ماند. نمونه‌ای از این تقابل را در بیت زیر می‌توان دید:

تو نیز ای که در توبه‌ای طفل راه به صبرت فراموش گردد گناه
(همان: ۳۲۲)

۴-۱-۶. تقابل میان خیر و شر

دعوت به خیرخواهی و گریز از شر و بدی، از دیگر اندیشه‌های مربوط به سلامت روان است که سعدی بدان توجهی خاص دارد. او مخاطب خویش را به خیرخواهی دعوت می‌نماید تا از قبل این خیرخواهی و نیک‌اندیشی، روح و روان او لبریز از آرامش و شادی گردد. دعوت به رحم و دلسوزی بر دیگران که در زبان سعدی معنی آدمیت است، همراهی

عمل با گفتار است که سبب احساس سودمندی و در نتیجه آرامش روان است. «در روانشناسی مثبت به عنوان مثال اریکسون، احساساتی مانند حس اعتماد، ابتکار، اشتغال به امور سودمند را دلیل یافتن هویت و در نتیجه عاملی برای آرامش درونی می‌داند» (ر.ک: شولتز و شولتز، ۱۳۷۹: ۲۵۸ - ۲۴۰؛ Erikson, 1975: 25):

خویشتن را خیر خواهی، خیر خواه خلق باش ز آنکه هرگز بد نباشد نفس نیک اندیش را
آدمیت، رحم بر بیچارگان آوردن است کآدمی را تن بلرزد چون ببیند ریش را
راستی کردند و فرمودند مردان خدای ای فقیه اول نصیحت گوی نفس خویش را
(سعدی، ۱۳۷۱: ۵۲۸)

۴-۲. تقابل‌های ساختاری

۴-۲-۱. تقابل معنایی میان مصراع

یکی از انواع تقابل‌های ساختاری در اندیشه سعدی پیرامون مبحث بهداشت و سلامت روان، تقابل در واحد ساختاری جملات است. این نوع از تقابل در سطح فراتر از واژه مطرح می‌شود و معمولاً به صورت مکمل قرار گرفتن یک مصراع در مقابل مصراع دیگر، به لحاظ تقابل معنایی، شکل می‌پذیرد. از انواع این تقابل در اندیشه سعدی می‌توان به تقابل‌های زیر اشاره نمود:

- تقابل در مصراع اول (کمال طلبی) با مصراع دوم (عافیت جویی):

قدم پیش نه کز ملک بگذری که گر باز مانی ز دد کمتری
(همان: ۶۱۳)

- تقابل در مصراع اول (عشق و دوستی) با مصراع دوم (بیزاری و نفرت):

یارا بهشت صحبت یاران همدم است دیدار یار نامتناسب جهنم است
(همان، ۱۳۸۹: ۴۳۹)

در این نوع تقابل سعدی در یک مصراع از هنجارهایی که سبب آرامش و امنیت روح و روان فرد می‌شود سخن می‌گوید و سپس در مصراع دیگر مکمل آن را بیان می‌کند؛ مکملی که در تعارض و بعضاً تضاد با مصراع اول است. براساس این نوع از تقابل‌ها، سعدی

موضع‌گیری خود را نسبت به مفاهیمی چون عشق، نفرت، کمال‌طلبی، عافیت‌جویی، امیدواری یا ناامیدی بیان می‌کند:

امیدوار بود آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان
(همان: ۱۲۵)

زهر از قبل تو نوشداروست فحش از دهن تو طیبات است
(همان: ۴۳۱)

در ساختن این پایه‌های تقابلی، سعدی جهان‌بینی اخلاقی — عرفانی خویش و ایدئولوژی عمیق خود را مطرح می‌نماید؛ به‌عنوان نمونه اندیشه‌مدارا و صلح‌طلبی که در جهان‌بینی سعدی، عامل اصلی آرامش در درون و جهان‌پیرامون است:

حاکمی، گر عدل خواهی کرد با ما یا ستم بنده‌ایم از صلح خواهی جست با ما یا نبرد
(همان: ۱۷۸)

۴-۲-۲. تقابل فعل

سعدی گذشته از تقابل در مصراع‌ها، گاه در آثار خود چند فعل را که در معنی متضاد هستند، هنرمندانه به کار می‌برد و دو معنی متقابل را نشان می‌دهد:

بخندید و بگریست مرد خدای عجب مانند سنگین دل تیره رای
(سعدی، ۱۳۷۱: ۶۳)

۴-۲-۳. تقابل‌های ادبی

این نوع از تقابل‌ها برگرفته از سنت شعری و ادبی رایج در میان هنرمندان و شاعران است. تقابل‌های ادبی در مبحث سلامت و بهداشت روان در اندیشه‌سعدی را می‌توان در نمونه‌های زیر یافت:

- تلمیحات تقابلی:

این دسته از زوج‌های تقابلی که سعدی در خصوص آرامش و نشاط روح مطرح می‌کند، گاه ساختار تلمیحی نیز دارند:

کسی به دیده‌ی انکار اگر نگاه کند نشان صورت یوسف دهد به ناخوبی
وگر به چشم ارادت نگه کنی در دیو فرشته‌ایت نماید به چشم کروی
(همان: ۵۹)

تقابل تلمیحی میان «یوسف / دیو» به عنوان مکمل یکدیگر، دستمایه‌ی سعدی برای تشویق مخاطب به ابزار رضایتمندی و ادراک لذت از شرایط موجود است. در بیت:
گو چشمه آب کوثر و بستان بهشت باش ما را مقام بر سر این کوی خوش تر است
(همان: ۴۸۷)

نیز چشمه کوثر نماد تلمیحی از راحتی و آسایش و خوشی است که در تقابل با کوی یار که عاشق دلخسته دوستدار اوست، قرار گرفته و سعدی دل بستگی به جایی که رسیدن بدان با سختی‌های بسیار همراه بوده است و لذت بردن از طی کردن عقبه‌ها و موانع مسیر عشق و در حقیقت صبر بر جور یار را، مایه و پایه آرامش و انگیزه‌ای برای مقابله با ناملایمات و شداید می‌داند. در حکایتی تلمیحی به داستانی از سلطان محمود غزنوی آمده است که: «حسن میمندی را گفتند: سلطان محمود چندین بنده صاحب جمال دارد که هر یکی بدیع جهانی‌اند. چگونه افتاده است که با هیچ یک از ایشان میل و محبتی ندارد چنانکه با ایاز که حسنی زیادتی ندارد؟ گفت هر چه به دل فرود آید، در دیده نکو نماید»:

هر که سلطان مرید او باشد گر همه بد کند نکو باشد
و آنکه را پادشه بیندازد کس اش از خیل خانه نوازد

(همان: ۷۲)

تقابل تلمیحی میان مفهوم دوستداری و نادوستداری است که معشوق در انتخاب خود نقشی ندارد. این عاشق است که باید بدو دل سپارد و پذیرفتن این امر سبب آرامش معشوق است.

- تناسب‌های تقابلی:

از دیگر انواع تقابل‌های ادبی در مبحث سلامت و بهداشت روان، تقابل از نوع تناسب است. تناسب را می‌توان نوعی از هماهنگی و نظم میان چند چیز به حساب آورد. سعدی گاه در کنار تقابل، دو یا چند واژه را که در سنت شعر فارسی با یکدیگر تناسب دارند، به صورت

هنرمندانه و معناداری به کار می‌برد. درک لذت و بهره‌گیری از فرصت‌ها (اغتنام لحظات) یکی از راهکارهای سعدی در خصوص آرامش روح و روان است. بیت‌های زیر از نمونه‌های این تقابلهاست که بر اساس تناسب سفر و تفریح در آن، با ماندن در خانه و دکان سروده شده است:

تا به دکان و خانه در گروی هرگز ای خام، آدمی نشوی
برو اندر جهان تفریح کن پیش از آن روز کز جهان بروی

(همان: ۱۰۲)

- ارسال المثل:

کهن خرقة‌ی خویش پیراستن به از جامه‌ی عارت خواستن

(همان: ۱۹۴)

احساس رضایتمندی از اوضاع و شرایط در ساختاری تقابلی میان دو مفهوم کهنه / نو، در قالب ارسال‌المثل در این بیت مورد توجه قرار گرفته است.

- تضاد یا مقابله:

عاشقان دین و دنیا باز را خاصیتی است کان نباشد زاهدان جاه و مال اندوز را

(همان، ۱۳۸۹: ۴۱۵)

- ایهام تضاد (با تقابل نیک و بد کرداری):

نیک بد کردی شکستی عهد یار مهربان این بتر کردی که بد کردی و نیک انگاشتی

(همان: ۶۰۷)

- تهکم (با تقابل زهد و پارسایی و عاشقی و مستی):

برو ای فقیه دانا، به خدای بخش ما را تو و زهد و پارسایی، من و عاشقی و مستی

(همان: ۶۰۶)

- تضاد معنوی (با تقابل ضمنی خلعت فرستادن و قفا زدن):

شکر نعمت می‌کنم، گر خلعتی می‌فرستد یا قفایی می‌زند

(همان: ۴۹۶)

– متناقض‌نمایی (پیدایی و پنهان خدا):

از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق از همه عالم نهان و بر همه پیدا
(همان: ۴۱۱)

– تقابل مشتق:

ز عقل اندیشه زاید که مردم را بفرساید گرت آسودگی باشد برو عاشق شوای عاقل
(همان: ۵۳۸)

نتیجه

سعدی از بزرگترین شاعران و نویسندگان ادب فارسی است که در عین توجه به ساختار لفظی کلام، به معنی نیز توجهی خاص دارد. او که جامعه‌شناسی بی‌مانند است، چنان با انسان زیسته که در اندیشه‌های او می‌توان از دانش‌های امروز نیز نشانی را جستجو کرد. یکی از این دانش‌ها، روانشناسی است که در این مقاله به مفاهیم روانشناسی مثبت‌گرا در سخن سعدی پرداخته‌ایم. سعدی می‌کوشد تا اساسی‌ترین و عمده‌ترین اندیشه‌های روان‌شناختی را از طریق تقابل‌های دوگانه بیان کند. تقابل‌های سعدی از لحاظ معنا و محتوا، قلمروی گسترده دارد و بیانگر اندیشه، احساس، عاطفه و به‌طور کلی جهان‌بینی اوست. تقابل‌های سعدی از نظر زبان‌شناسی بین دو اسم، دو صفت، دو فعل و با آمیزه‌یی از این‌ها و با استفاده از وندهای اشتقاقی-تصریفی شکل می‌گیرند. تقابل‌های دوگانه سعدی از منظر زیبایی‌شناسی، اساساً زیر مجموعه آرایه تضاد در بدیع معنوی است و به شکل‌های متناقض‌نمایی، تهکم، ایهام تضاد و نظایر این‌ها بروز و ظهور می‌یابد. تأمل بر تقابل‌های دوگانه آثار سعدی، برای دستیابی به اندیشه‌های روان‌شناسی مثبت‌نگر بیانگر آن است که عملکرد سعدی در باز نمود احوال نفسانی انسان با داده‌های علم روان‌شناسی جدید هم‌خوانی دارد. اندیشه‌های روان‌شناختی او اساساً تحت تاثیر اخلاق و عرفان اسلامی است و به باور او سلامت نفس در سایه امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد و ستم اجتماعی، سبب اضطراب روحی و آشفتگی روان آدمی است. بخشی از این تقابل‌ها بیانگر اندیشه‌هایی است که اگر در عمل به کار گرفته شوند، سلامت نفس و آرامش روان انسان را تضمین می‌کنند. این اندیشه‌ها مخاطب را با عشق، دیگر دوستی، خویش‌پذیری، خود بودن، قناعت و ترک آزمندی، کمال‌طلبی و ترک مصلحت-اندیشی، دوری از ریا و نظایر این‌ها آشنا کرده و به بهره‌مندی از آنها و پرهیز از عناصری که مقابل آنها قرار می‌گیرد، توصیه می‌کند.

تعارض منافع: طبق گفته نویسندگان، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع و مآخذ

- برتنس، هانس. (۱۳۸۴). **مبانی نظریه ادبی**. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: ماهی.
- پیرانی، منصور. (۱۳۹۲). «نگاهی به شعر حافظ با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر مارتین سلیگمن». **هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادب فارسی**. تهران. شماره جلد ۴. صص: ۳۳۸-۳۵۷.
- چهری، طاهره؛ سالمیان، غلامرضا و سهیل یاری گل‌دره. (۱۳۹۲). «تحلیل تقابل و تضادهای واژگانی در شعر سنایی». **پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)**. سال هفتم. پیاپی ۴۵. صص: ۱۴۱-۱۵۸.
- رضوانیان، قدسیه. (۱۳۸۸). «خوانش گلستان سعدی براساس نظریه تقابل‌های دوگانه». **نشریه ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**. دوره ۱. شماره ۲. صص: ۱۲۳-۱۳۵.
- ساکیان، زهره و نجمه نظری. (۱۴۰۰). «ای مجلسیان راه خرابات کدام است؟». هنر تقابل در غزل سعدی». **مطالعات زبانی و بلاغی**. دوره ۱۲. شماره ۲۶. صص: ۲۳۲-۲۶۰.
- سرحدی، فاطمه و جواد مهربان. (۱۳۹۹). «بررسی تقابل‌های دوگانه در مثنوی‌های عاشقانه لیلی و مجنون و خسرو و شیرین نظامی». **زیبایی‌شناسی ادبی**. سال هجدهم. شماره ۱۴۴. صص: ۱۰-۳۸.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۱). **کلیات**. به تصحیح و توضیح محمدعلی فروغی. تهران: طهوری.
- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۹). **کلیات**. به تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- سلیگمن، مارتین. (۱۳۹۷). **شادمانی درونی، روانشناسی مثبت‌گرا در خدمت خشنودی پایدار**. ترجمه مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری. تهران: دانژه.
- شنبه‌ای، رقیه. (۱۳۹۰). «جبر و اختیار از دیدگاه تقابل‌های دوگانه: سبک خاص سعدی در گلستان». **فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی**. دوره ۳. شماره ۸. صص: ۱۹۴-۲۱۲.
- شولتز، پی. دوان و سیدنی آلن شولتز. (۱۳۷۹). **نظریه‌های شخصیت**. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- شولتز، دوان. (۱۳۶۹). **روان‌شناسی کمال**. ترجمه گیتی خوشدل. تهران: نو.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۷). **درآمدی بر معنی‌شناسی**. تهران: سوره مهر.

طالبیان، یحیی و همکاران. (۱۳۸۸). «تقابل‌های دوتایی در شعر احمدرضا احمدی». **پژوهش‌نامه ادب عرفانی (گوه‌ر گویا)**. سال ۳. شماره ۴. صص: ۲۱-۳۴.

عقدایی، تورج. (۱۳۹۳). **روان‌شناسی کمال در مثنوی**. تهران: دستان.

غیاثی، محمد تقی. (۱۳۸۲). **نقد روان‌شناختی متن ادبی**. تهران: آگاه.

کالر، جانان‌تان. (۱۳۸۲). **بوطیقای ساختارگرا**. ترجمه کوروش صفوی. تهران: مینوی خرد.

مارتینه، آندره. (۱۳۸۰). **تراز دگرگونی‌های آوایی**. ترجمه هرمز میلانیا. تهران: هرمس.

مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). **فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر**. تهران: فکر روز.

موحد، ضیاء. (۱۳۷۸). **سعدی**. تهران: طرح نو.

هورنای، کارن. (۱۳۸۴). **تضادهای درونی ما**. ترجمه محمد جعفر مصفا. تهران: بهجت.

Erikson. E. (1975). *Life History and historical Moment*. Newyork. Norton.

References

- Bertens, H. (2005). *Mabani-ye Nazariye-ye Adabi*. Tarjomeye Mohammad Reza Abolghasemi. Tehran: Mahi.
- Chehri, T. & Saleman, Gh. & Soheil Yari Goldare. (2012). *Tahlil-e Taghabol va Tazadhaye Vazhegani dar She'r-e Sana'i*. Pazhooheshhaye Adab-e 'Erfani (Gohar-e Gooya). Year 7. No 45. Pp: 141-158.
- Erikson. E. (1975). *Life History and historical Moment*. Newyork. Norton.
- Ghiyasi, M.T. (2003). *Naghd-e Ravanshenakhti-ye Matn-e Adabi*. Tehran: Agah.
- Hornai, K. (2005). *Tazadhaye Darooniye Ma*. Tarjomeye Mohammad Jafar Mosaffa. Tehran: Behjat.
- Kaler, J. (2003). *Botighaye Sakhtargera*. Tarjomeye Koroosh Safavi. Tehran: Minoye Kherad.
- Martine, A. (2001). *Taraze Degargonihaye Avayi*. Tarjomeye Hormoz Milaniyan. Tehran: Hermes.
- Meghdadi, B. (1999). *Farhang-e Eslahat-e Naghs-e Adabi az Aflatoon ta 'Asre Hazer*. Tehran: Fekre rooz.
- Movahed, Z. (1999). *Sa'di*. Tehran: Tarh-e Now.
- 'Oghadayi, T. (2013). *Ravanshenasi-ye Kamal dar Masnavi*. Tehran: Dastan.
- Pirani, M. (2012). *Negahi be She'r-e Hafez ba Rooykarde Ravanshenasi-ye Mosbatnegar Martin Seligman*. Haftomin Hamayesh-e Pazhooheshhaye Zaban va Adab-e Farsi. Tehran. Vol 4. Pp: 338-357.

- Rezvanian, Gh. (2008). Khanesh-e Golestan Sa'di bar Asas-e Nazariyeye Taghabolhaye Dogane. Nashriyeye Adab-e Farsi-ye Daneshkade-ye Adabiyat va 'Oloome Ensani-ye Daneshgh-e Tehran. Vol 1. No 2. Pp: 123-135.
- Sa'di, M. (1992). Kolliyat. Be Tashih-e Mohammad Ali Forooghi. Tehran: Tahoori.
- Sa'di, M. (2010). Kolliyat. Be Tashih-e Mohammad Ali Forooghi. Tehran: AmirKabir.
- Safavi, K. (2008). Daramadi bar Ma'ni Shenasi. Tehran: Soreye Mehr.
- Sakiyan, Z. & N. Nazari. (2021). Ei Majlesiyān Rah-e Kharabat Kodam Ast? Honar-e Taghabol dar Ghazal-e Sa'di. Motale'at-e Zabani va Balaghi. Vol 12. No 26. Pp: 232-260.
- Sarhadi, F. & J. Mehraban. (2019). Barresi-ye Taghabolhaye Dogane dar Masnavihaye 'Ashegane-ye Leili va Majnoon, Khosrow va Shirin Nezami. Zibayishenasi-ye Adabi. Year 18. No. 144. Pp: 10-38.
- Schultz, D. (1990). Ravanshenasi-ye Kamal. Tarjomeye Giti Khoshdel. Tehran: Now.
- Schultz, P. & S.A. Schultz. (2000). Nazariyehaye Shakhshiyat. Tarjomeye Yahya Seyed Mohammadi. Tehran: Virayesh.
- Seligman, M. (2017). Shadmani-ye Darooni, Ravanshenasi-ye Mosbatgera dar Khedmat-e Khoshnoodi-ye Paydar. Tarjomeye Mostafa Tabrizi, Ramin Karimi & Ali Nilofari. Tehran: Danzhe.
- Shanbeyi, R. (2018). Jabr va Ekhtiyar az Didgahe Taghabolhaye Dogane: Sabk-e Khas S'adi dar Golestan". Faslname-ye Takhassosi-ye Zaban va Adabiyat-e Farsi. Vol 3. No 8. Pp: 194-212.
- Talebiyan, Y. & Hamkaran. (2009). Taghabolhaye Dotayi dar She're Ahmadreza Ahmadi (Gohar Gooya). Year 3. No 4. Pp: 21-34.